

دوئل مرگبار جوان فوتبالیست با برادر رزمی کار



تحلیل کارشناس

قتل های خانوادگی

دکتر قربانعلی ابراهیمی جامعه شناس و استاد دانشگاه متأسفانه در سال های اخیر یا بدیده ناهنجار و خطرناکی با عنوان «قتل های خانوادگی» روبه رو شده ایم که از نگاه جامعه شناسختی نیازمند تحلیل عمیق و گسترده ای است. در عصر کنونی در برخی خانواده ها معنویات کم رنگ شده و مادیات جایگزین آن و مسائل ارزشی شده است. کارکرد خانواده ضعیف شده و والدین کمتر به شیوه های تربیتی درست توجه می کنند. تک محوری، خودمحوری و خودخواهی جای خود را به روابط صمیمی و عاطفی بین اعضای خانواده داده است. روابط اعضای خانواده به شکل موزاییکی شده به این صورت که مانند موزاییک در کنار هم هستند اما حس عاطفی به یکدیگر ندارند و احساسات هم را درک نمی کنند. از این رو وقتی اعضای یک خانواده از حال و روز یکدیگر بی خبر باشند مثل غریبه ها با هم رفتار می کنند و همین موضوع موجب می شود سردی در روابط شکل گیرد و به خاطر یک نزاع و جدل خانوادگی - حتی جزئی - مرتکب قتل و خشونت های مرگبار شوند. برخی اهداف تربیتی که باید در مدارس و سیستم آموزش دنبال شود، در نظام تربیتی از بین رفته و حرمت بزرگان و والدین مخدوش شده است. از این رو در جامعه ای که قدر و منزلت بزرگسالان از بین برود شاهد بروز خشونت های خانوادگی عمیق هستیم. البته این اتفاقات بیشتر در خانواده های از هم گسیخته و آشفته رخ می دهد. تضعیف روابط عاطفی میان اعضای یک خانواده، سرگرم کردن خود با ابزارهای روز و نبود گوش شنوا برای درددل ها و عواطف و مشکلات به دلیل مشغله کاری سبب شده است اعضای خانواده در روابط عاطفی از هم دور شوند و چون مهارت حل مسئله و مهارت گفت و گور آموزش ندیده اند و منفعت طلبی را بر معنویات ترجیح می دهند بر سر اختلافات جزئی به جان هم می افتند و مرتکب قتل و جنایت هولناک خانوادگی می شوند. مضطربات و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی روی هم انباشته شده و افراد را به صورت خودمدراری پیش می برد در نتیجه مجموعه این ها خشونت را به درون خانواده می کشاند و شاهد قتل های خانوادگی و خودکشی ها هستیم.

■ چه زمانی فهمیدی برادرت متوجه حرف های بین تو و مادرش شده است؟

همان روز درگیری و قتل. بعد از این که با مادر من صحبت کردم، پدرم به حمام رفت و مادر من نیز به کلاس قرآن رفت.

■ روز قتل چه اتفاقی افتاد؟

من از بیرون به خانه بازگشتم و دیدم مربی رزمی برادرم جلوی در خانه ایستاده که وارد خانه شدم و برادرم را صدا کردم، به او گفتم که زشت است دوستش بیرون خانه ایستاده و در این لحظه برادرم با صدای بلند گفت: به تو چه ربطی دارد! اصلاً به تو چه که بابا به من پول داده است. سپس بین مادرگیری رخ داد و برادرم که کیک بوکسینگ کار بود مرا کتک زد و سرم به زمین خورد که بیهوش شدم.

■ بیهوش شدی؟

نیمه بیهوش بودم که برادرم به کمک مربی رزمی اش مرا به طبقه دوم ساختمان بردند و روی تختم قرار دادند و سپس از خانه خارج شدند.

■ چه مدت گذشت تا به هوش آمدی؟

نمی دانم ولی وقتی به هوش آمدم سراغ مادر من رفتم و از او پرسیدم که چرا ماجرای اعتراض مرا به برادرم گفته است؟ مادر من ادعا کرد شاید زمانی که با پدرم در حال صحبت بوده، برادرم

دو برادر روز شکار که با هم درگیر شده بودند یک جنایت خانوادگی را رقم زدند.

ساعت ۱۰ صبح سه شنبه ۸ مرداد امسال مرد جوانی در تماس با امدادگران اورژانس برای نجات جان دوستش که هدف ضرب چاقو قرار گرفته بود، کمک خواست.

پس از این تماس، تیمی از ماموران کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس و امدادگران اورژانس به محل درگیری خونین رفتند و خیلی زود مرد ۳۷ ساله را که از ناحیه قلب هدف ضرب چاقو قرار گرفته بود، به بیمارستان منتقل کردند. ماموران در صحنه درگیری تحقیقات ابتدایی را آغاز کردند و در همان ابتدا مشخص شد برادر کوچک تر در درگیری با برادرش دست به چاقو شده و او را هدف ضرب چاقو قرار داده است.

تجسس های پلیسی ادامه داشت تا این که مسئولان بیمارستان خبر دادند پسر جوان به دلیل شدت ضرب چاقو به سینه اش و خون ریزی روی تخت بیمارستان به کام مرگ فرو رفته است.

بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران و تشخیص هویت به دستور بازپرس ویژه قتل برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند و در همان ابتدا با توجه به این که در تجسس های ابتدایی مشخص شده بود این قتل از سوی برادر مقتول صورت گرفته، خیلی زود پسر ۲۵ ساله دستگیر شد.

پسر جوان وقتی شنید برادرش به کام مرگ فرو رفته، شوکه شد و به درگیری مرگبار با برادرش به خاطر یک اختلاف خانوادگی کوچک اعتراف کرد.

■ گفت و گویا جوان برادرش

امیر ۲۵ ساله در حالی که اشک می ریخت و هنوز باور نداشت که برادرش را به قتل رسانده است گفت: من قصد نداشتم برادرم را بکشم و صحنه قتل اتفاق بود.

این جوان تحصیلکرده و ورزشکار صبح روز گذشته برای تحقیقات به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و به قتل ناخواسته برادرش اعتراف کرد.

■ سابقه داری؟

نه.

■ اعتیاد داری؟

سال ها قبل به مواد مخدر اعتیاد داشتم که ترک کردم و دو سال است که دار و مصرف می کنم تا متادون را هم ترک کنم.

■ شنیدم ورزشکاری؟

بله، فوتبالیست بودم و در پست مهاجم بازی می کردم.

■ شغل؟

لیسانس عمران دارم اما در کار تعمیرات موبایل مشغول هستم.

■ با برادرت اختلاف داشتی؟

من اختلافی نداشتم، فقط یک بار پیش مادر من به حمایتی که پدرم از او کرده بود اعتراض کردم و نمی دانم چطور به گوش برادرم رسید که با هم درگیر شدیم.

■ چه اختلافی؟

برادرم عقد کرده بود پدرم طبقه اول ساختمان را در اختیار او قرار داد و ۱۵۰ میلیون تومان نیز به برادرم پرداخت کرد. چند روز قبل از درگیری من به مادر من گفتم چرا پدر به او پول داده است و این صحبت را فقط مادر من شنید اما روز درگیری متوجه شدم برادرم از حرف هایی که به مادر من زده ام ناراحت شده است.

انتقام عجیب پسر عاشق پیشه از دختر تهرانی

■ تحلیل کارشناس
انتقام عشقی

منصور عالی جرم شناس درباره انتقام جویی از نوع عاشقانه گفت: متأسفانه بدترین نوع رقابت اجتماعی رقابت عشقی است زیرا ریشه احساسی دارد و می تواند توجیهاتی برای انتقام جو در باره کارهایش به وجود آورد.

وی ادامه داد: احساس مالکیت در بحث عشق کافی است تا با کوچک ترین تلنگر به این فضای عاطفی، کینه به دل بنشینند و به مرد یا زن عاشق پیشه این اجازه را بدهد تا دست به انتقام جویی بزند.

منصور عالی گفت: متأسفانه بارها شاهد چنین انتقام جویی هایی بوده ایم البته نمی توان با قاطعیت اعلام کرد که کدام جنس از مرد یا زن بیشتر انتقام جویی می کنند چرا که بارها شاهد اسید پاشی های زنانه تنها به خاطر رقابت عشقی بوده ایم و از سوی دیگر پرونده های زیادی داریم که مردان به خاطر یک دختر یا به خود او یا به رقیب عشقی شان لطمه می زنند.

این جرم شناس گفت: باید بگویم هیچ زمینه آموزشی برای کنترل احساس و میزان عشق در بین همه گروه های سنی مردان و زنان وجود ندارد و این گونه عاشق پیشه ها هم هیچ کدام حاضر نیستند نزد مشاور یا روان شناس بروند و تنها توصیه ای که می توانم بکنم این است که دوستان و همراهان این گونه مردان و زنان باید از اقدامات کینه جوانه آن ها جلوگیری کنند تا بعدا شاهد پشیمانی یا حوادث غیر قابل جبران نباشیم.



پسر عاشق پیشه وقتی فهمید دختر مورد علاقه اش با یکی از دوستان او سر و سری دارد، توطئه ای وحشتناک را طراحی کرد.

این پسر و برادرش دختر جوان را ربودند و تحت شکنجه های دردناک قرار دادند.

پیدا شدن دختری رنجور و تکیده در حاشیه بزرگراه پرده از راز تلخی برداشت!

■ دختر ربایی

اوایل تابستان سال ۹۷ پس از این که دختری نیمه جان در بزرگراه ها شد، ماجرای یک آدم ربایی پیش روی پلیس تهران قرار گرفت.

دختر ۲۰ ساله به نام ترانه در حالی که به شدت هراسان بود و هنوز می ترسید، به ماموران گفت: مدتی قبل با پسر جوانی به نام پرهام آشنا شدم. او به من علاقه مند شده بود و می گفت قصد از دواج دارد. چند ماه از آشنایی ما گذشته بود که او حرف های عجیبی زد. پرهام ادعا می کرد من به او خیانت کرده ام و با دوستانش رابطه پنهانی دارم. من چند بار به او گفتم اشتباه می کند اما قبول نکرد.

وی ادامه داد: آخرین بار او همراه برادرش دنبالم آمد تا به تفریح برویم اما مرا به اطراف بزرگراه یاسینی بردند. در آن جا پرهام به شدت مرا کتک زد و شکنجه داد. سپس موبایل و کارت عابر بانک مرا به زور از من گرفت و چهار میلیون تومانی را که در کارت داشتم زد دید. آن ها شبانه مرا در حاشیه بزرگراه یاسینی از ماشین پیاده کردند و گریختند.

■ بازداشت آدم ربای عاشق پیشه

ماموران که از دختر جوان شنیدند آدم رباهای می شناسد، پرهام ۲۳ ساله و برادرش پیمان ۲۷ ساله را تحت تعقیب قرار دادند و آن ها خیلی زود به اتهام آدم ربایی و زورگیری و شکنجه بازداشت شدند.

این دو برادر ابتداسعی کردند با ادعاهای گمراه کننده خود را بی گناه نشان دهند و رفتارشان را سوء تفاهم بدانند اما وقتی با ترانه رو به رو شدند، چاره ای جز اقرار ندیدند.

■ در دادگاه

پرهام و پیمان دیروز در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای این جلسه پرهام در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من عاشق ترانه بودم و می خواستم با او از دواج کنم. اما او از اعتماد سوء استفاده و به من خیانت کرده بود. من چند بار او را سوار ماشین دوستانم دیده بودم و می دانستم با دوستانم رابطه برقرار کرده است. به همین دلیل چند بار با او صحبت کردم تا دست از این رفتارها بردارد اما گوش اش بدهکار نبود. وی ادامه داد: آخرین بار با برادرم درددل کردم و به او گفتم عاشق ترانه شده ام اما او به من خیانت می کند. به همین دلیل نقشه کشیدیم تا او را تنبیه کنیم، من و برادرم به بهانه

گریه های قاتل در صحنه جنایت خونین

برگشتم و دیدم برادرم خوابیده است. عصبانی شدم و او را بیدار کردم اما او به یک باره سبلی به صورت من زد و شروع به فحاشی کرد. من واقعا قصد دعو نداشتم اما او به سمت من حمله ور شد و من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم کارد میوه خوری را برداشتم. نمی دانم چطور کارد با گردن برادرم برخورد کرد و خون فواره زد. من همان موقع با اورژانس تماس گرفتم اما کار از کار گذشته بود. وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود و اشک می ریخت افزود: من شرمند مادر هستم. مادر من از قصاص من صرف نظر کرد و همین موضوع من را شرمند می کرد. قبل کرده است. می دانم اشتباه بزرگی مرتکب شده ام و به مادر من قول داده ام با آزادی از زندان گذشته را برای او جبران کنم. حالا از قضات تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوند.

بنابر این گزارش، در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تارای صادر کنند.

خودش را عامل جنایت معرفی کرد و تسلیم پلیس شد. پرونده ناصر با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شده بود که مادر قربانی اعلام گذشت کرد.

■ در دادگاه

ناصر دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربانزاده و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای این جلسه ناصر گفت: من برادرم را خیلی دوست داشتم. پدر من چند سال پیش فوت کرد و من و یاسر همراه مادر من زندگی می کردیم. چند روزی بود سر خرید نان با هم اختلاف پیدا کرده بودیم. برادرم تنبلی می کرد و من چند بار به او اعتراض کردم. اما یاسر می گفت چون من از او کوچک تر هستم همیشه باید نان بخرم. آخرین بار سر این ماجرا با هم درگیر شدیم و من که ناراحت شده بودم خانه را ترک کردم. وی ادامه داد: من چند ساعت بعد به خانه

صحنه شو که کشته بود، پسری با چاقوی خونین بالای سر برادرش ایستاده بود و هنوز باور نداشت با دستان خودش دست به این جنایت زده است.

پسر جوان اشک می ریخت که توسط پلیس دستگیر شد، او در زندان ماند تا خانواده اش از قصاص چشم پوشی کردند.

■ جنایتی تلخ

عصر یکم بهمن سال ۹۷ به ماموران کلانتری یافت آباد خبر رسید که درگیری دو برادر در خانه شان به خون کشیده شده است.

ادامه گزارش خیلی تلخ بود چرا که در این درگیری خانوادگی پسر ۲۶ ساله به نام یاسر به قتل رسیده بود.

وقتی تیمی از ماموران پلیس کلانتری پای در صحنه جنایت گذاشتند، خود را در برابر جسدی دیدند که شاهرگش بریده شده بود.

همان جا برادر کوچک تر یاسر به نام ناصر ۲۳ ساله در حالی که به شدت اشک می ریخت



مبل تارنج

معمول مشترک
ایران و ترکیه



Luxury Furniture

مبلها و لکیری

شعبه ۱/ نبش سناباد ۴۳
۰۵۱-۳۸۴۳۳۱۰۰

شعبه ۲/ نبش سناباد ۴۵
۰۵۱-۳۸۴۳۶۰۱۸

شعبه ۳/ نبش سناباد ۵۵
۰۵۱-۳۸۴۶۴۳۴۶

شعبات فروش روزهای جمعه عصر
از ساعت ۱۸ الی ۲۲ دایر میباشند